

شناسایی ساختار بدهی دولت به بانک مرکزی در ایران و مقایسه آن با استانداردهای بین‌المللی

سید مهرزاد میربهراری *

چکیده

محدودیت اعتباری که دولت می‌تواند از بانک مرکزی دریافت کند، عنصر اصلی استقلال بانک مرکزی است. در این پژوهش، پس از معرفی مدل ماستریخت که یک مدل ایده‌آل برای محدود کردن اعتبار بانک مرکزی به دولت است، کشور فرانسه به عنوان الگوی عملی رابطه دولت با بانک مرکزی، مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه، چارچوب قانونی رابطه بخش دولتی با بانک مرکزی که به صورت تاریخی از بانک شاهنشاهی شروع و به بانک ملی و مرکزی ختم می‌شود، بررسی شده و سپس، ساختار بدهی دولت و شرکت‌ها و مؤسسات دولتی به بانک مرکزی و تمام اجزای آن مورد تحلیل قرار گرفته است. در انتها ارقام مربوط به پایه پولی و بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی و قوانین مربوط به کنترل و کاهش بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی بررسی شده است.

واژگان کلیدی: ساختار بدهی دولت به بانک مرکزی، بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی، مدل ماستریخت، اعتبار بانک مرکزی به دولت.

طبقه‌بندی JEL: E520, E580.

۱. مقدمه

بررسی تاریخ اقتصادی جوامع بشری نشان می‌دهد که تا پیش از ایجاد نهاد بانک مرکزی در کشورهای مختلف، دولت‌ها نقش انتشار پول را بر عهده داشتند و با سوء استفاده از امتیاز انتشار پول، هر زمان که با کاهش درآمد و یا کمبود وجوه در خزانه روبه‌رو می‌شدند، به سیاست غش در عیار پول متوسل شده و با افزایش شدید حجم پول در گردش، به تورم دامن می‌زدند. برجسته‌ترین نمونه تاریخی این سیاست مربوط به دوران انحطاط و زوال امپراطوری رم است. در ایران نیز کاهش ارزش واقعی مسکوکات از طریق دست بردن در محتوای فلزی آنها و کاهش رسمی و "قانونی" طلا و یا نقره خالص موجود در مسکوکات در دوران پادشاهان قاجار، امری عادی تلقی می‌شد؛ به طوری که مقدار نقره موجود در قران^۱ از ۹/۲ گرم در دوران فتحعلی‌شاه به ۴/۹۸۳ گرم در دوران ناصرالدین شاه کاهش یافت.^۲

پس از پیدایش صنعت بانکداری و در پی آن ایجاد بانک مرکزی، روابط بین دولت و بانک مرکزی از اهمیت زیادی برخوردار شد. دولت‌ها که به خاطر در دست داشتن قوه مجریه و متکفل بودن بار هزینه‌های بودجه‌ای، تمایل به خرج کردن منابع مالی به میزان بیش از درآمدها داشتند، همواره بر بانک‌های مرکزی برای دریافت وام فشار وارد کرده و توجه زیادی به اثرات تورمی ناشی از این امر نداشتند.

محدود کردن اعطای اعتبار بانک مرکزی به دولت و استقلال این بانک از قدرت سیاسی در چشم‌انداز تاریخی، مربوط به دوران بین جنگ جهانی اول و دوم است. مزایای ناشی از استقلال بانک مرکزی و یا به عبارتی جدایی دولت از بانک مرکزی در زمان بین جنگ جهانی اول و دوم کاملاً آشکار شد. در آن زمان در پی تغییرات سیاسی و اتمام دوران استاندارد طلا، می‌بایست وضعیت بسیاری از بانک‌های مرکزی کشورهای اروپایی مطابق با تغییرات جدید، تعدیل می‌شد. کشورهای جهان که با عواقب پولی ناشی از تأمین کسری بودجه دوران جنگ جهانی اول روبه‌رو بودند، به این توافق جمعی رسیدند که محافظت بانک‌های مرکزی از قدرت‌های سیاسی و کنترل شدید اعطای اعتبار بانک مرکزی به دولت می‌تواند به نفع ثبات قیمت‌ها باشد.

۱. در دوران قاجار سه نوع مسکوک در کشور رواج داشت: تومان‌های طلایی، قران‌های نقره‌ای و شاهی مسی. هر تومان (ده هزار دینار) برابر ۱۰ قران بود و هر قران برابر ۲۰ شاهی و هر شاهی برابر ۵۰ دینار بود. دو شاهی را صد دینار و چهار شاهی را یک عباسی می‌خواندند.

۲. قبادی و رئیس‌دانا. (۱۳۶۸).

اصول توافق جمعی یادشده در قوانین بانک مرکزی کشورهای اتریش، بلغارستان، استونی، یونان و مجارستان منعکس شد و در سال‌های بعد به قوانین بانک‌های مرکزی تعدادی دیگر از کشورهای جهان به‌ویژه در اروپا، گسترش یافت.

در دهه‌های اخیر همانند سال‌های جنگ جهانی، استقلال بانک مرکزی با توجه به تحولات سیاسی عمده‌ای که رخ داده، بار دیگر مطرح شده است. نخستین رخداد، سقوط اقتصادهای با برنامه‌ریزی متمرکز بود که در پی آن قوانین بانکداری جدید برای کشورهای کمونیستی پیشین تدوین شد و بر اساس آن اقتصاد این کشورها به اقتصاد بازار تبدیل شد. مسأله دوم، اتحادیه اروپا بود که برای ایجاد آن می‌بایست قانون جدیدی برای بانک مرکزی اروپایی تدوین می‌شد و قوانین بانک مرکزی کشورهایی که عضو اتحادیه اروپایی می‌شوند نیز تغییر می‌یافت. در این خصوص نیز استقلال بانک مرکزی به صورت محدودیت‌های رسمی در خصوص اعطای اعتبار بانک مرکزی به دولت، صورت عملی به خود گرفت.

استقلال بانک مرکزی از قدرت‌های سیاسی معمولاً به عنوان راه‌حلی برای مصون ماندن از اثرات منفی ناشی از فعالیت دولت‌هایی ارائه شده است که تمایل به خرج کردن بیش از منابع مالی در دسترس را دارند. دولت‌ها در جوامع دمکراتیک برای انتخاب مجدد سعی می‌کنند از طریق افزایش موقت تولید، محبوبیت به‌دست آورند؛ حتی اگر این افزایش از طریق رشد قیمت‌ها به‌دست آید. در نتیجه، استقلال بانک مرکزی می‌تواند این گرایش دولت را خنثی کند.

محدودیت اعتباری که دولت می‌تواند از بانک مرکزی دریافت کند، عنصر اصلی استقلال بانک مرکزی است. علاوه بر محدودیت اعتبار بانک مرکزی به دولت باید عناصر دیگری همچون استقلال مالی، ترکیب، نحوه انتخاب و مدت زمان مدیران آن و نحوه کنترل ابزارهای دیگر سیاستی همچون نرخ تنزیل و سپرده قانونی، مدنظر قرار گیرد. با این همه، محدودیت اعطای اعتبار به بانک مرکزی دارای اهمیت اساسی در رابطه با مجموعه عناصری است که استقلال بانک مرکزی را تضمین می‌کند، زیرا در شرایط عادی، دریافت اعتبار توسط دولت از بانک مرکزی نسبت به راه‌های دیگر تأمین مالی برای دولت مزیت دارد، زیرا تسهیلات بانک مرکزی با نرخ سود کمتری از نرخ بازار^۱ در اختیار دولت قرار می‌گیرد.

۱. در برخی از کشورها (مانند ایران)، نرخ سود تسهیلات اعطایی بانک مرکزی به دولت، صفر درصد است.

محدود کردن بدهی دولت به بانک مرکزی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی استقلال بانک مرکزی از دولت نقش بسیار مهمی در زمینه نایل شدن بانک مرکزی به هدف اصلی خود (ثبات قیمت‌ها) دارد. با توجه به اهمیت این موضوع در این مقاله، سعی می‌شود با توجه به معیارهای بین‌المللی در خصوص رابطه دولت با بانک مرکزی و نیز شناسایی ساختار بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی و ارائه یک نمونه از رابطه دولت با بانک مرکزی (کشور فرانسه)، ضرورت اصلاح سیستم تأمین مالی دولت، بیش از پیش مشخص شود.

۲. مدل ماستریخت

یک مدل برای محدود کردن اعتبار بانک مرکزی به دولت، مدل ماستریخت است که کشورهای اتحادیه اروپا برای تنظیم ارتباط بین بانک مرکزی اروپایی و بانک‌های مرکزی ملی از یک سوی و دولت‌های اتحادیه اروپا از سوی دیگر از آن استفاده می‌کنند. این یک مدل ایده‌آل از رابطه مالی بانک مرکزی و دولت است.

جدول ۱. مدل ماستریخت - محدودیت‌هایی که برای اعتبار بانک مرکزی به دولت در پیمان ماستریخت در نظر گرفته شده است.^۱

ابزار	میزان کنترل	سررسید	سقف	نرخ بهره
اضافه برداشت	ممنوع	—	—	—
وام و پیش‌پرداخت با زمان پرداخت ثابت	ممنوع	—	—	—
خرید اوراق بهادار (بازار اولیه)	ممنوع	—	—	—
خرید اوراق بهادار (بازار ثانویه)	اختیاری	بدون محدودیت	بدون سقف	بدون محدودیت
توافقات بازخرید (ریپو)	اختیاری	بدون محدودیت	بدون سقف	بدون محدودیت
تودیع سپرده دولت نزد بانک مرکزی	اختیاری	—	بدون سقف	بدون محدودیت

این مدل برای کشورهای با سیستم مالی توسعه یافته که در آن دولت‌ها دسترسی به منابع مالی مختلف دارند، دارای عملیات بازار باز واقعی هستند و اوراق قرضه درجه یک بخش خصوصی و دولت جانشین نزدیک یکدیگرند، مناسب است. در کشورهایی که بازار توسعه یافته مالی ندارند، ممکن است نوعی از دسترسی محدود به تسهیلات مستقیم بانک مرکزی، مجاز شمرده شود.

1. Cottarelli. (1993).

در کشورهایی که اوراق قرضه درجه یک بخش خصوصی و دولت جانشین نزدیک یکدیگر نیستند، لازم است اعتبار غیرمستقیم را نیز محدود نمود، زیرا در صورتی که اوراق قرضه درجه یک بخش خصوصی و دولت جانشین نزدیک یکدیگر باشند (به این معنا که لازم نیست دولت برای فروش اوراق خود نرخ بالاتری از بخش غیر دولتی بپردازد)، دولت انگیزه‌ای برای دریافت تسهیلات به‌طور غیرمستقیم از بانک مرکزی ندارد، زیرا هزینه شقوق مختلف تأمین مالی برای دولت یکسان است. این مسأله در مواردی که نرخ‌های تسهیلات غیرمستقیم، به صورت دستوری پایین‌تر از نرخ‌های بازار باشد نیز صادق بوده و لازم است اعتبار غیرمستقیم را محدود نمود. در صورت اعمال سقف برای تسهیلات غیرمستقیم، این سقف باید به صورت جداگانه از سقف تسهیلات مستقیم اعمال شود.

با توسعه بازارهای پولی و مالی، نیاز دولت به استفاده از تسهیلات مستقیم بانک مرکزی کاهش می‌یابد، بنابراین، باید تسهیلات یادشده همگام با روند توسعه بازارهای پولی و مالی کاهش یافته و سرانجام به صفر برسد و محدودیت‌های اعمال شده در خصوص تسهیلات غیرمستقیم نیز حذف شود. محدود کردن بدهی دولت به بانک مرکزی بدون مسدود کردن راه‌های غیرمستقیم اعطای وام به دولت کامل نیست. مشخص‌ترین نمونه این امر بانک‌ها بوده که از بانک مرکزی وام دریافت کرده و این وام را به دولت اعطا می‌نمایند. از این رویه در کشورهای در حال توسعه‌ای که دولت سهم بالایی در اقتصاد دارد، بسیار استفاده می‌شود.

ممانعت از رویه پیش‌گفته کار مشکلی است، زیرا نمی‌توان بانک‌ها را از دسترسی به تسهیلات بانک مرکزی محروم کرد؛ اما اگر تسهیلات بانک مرکزی از طریق ابزارهای بازار (مانند مزایده اعتباری) صورت گیرد و بانک‌ها مجبور باشند نرخ بازار را برای تسهیلات دریافتی بپردازند، این مشکل قابل حل است. در این صورت بانکی که خواهان دریافت تسهیلات برای دولت است، باید نرخ‌های بالاتری پرداخت نماید که این امر جذابیت تسهیلات یادشده را برای دولت کاهش می‌دهد.

تسهیلاتی که بانک مرکزی در کشورهای در حال توسعه برای طرح‌های توسعه‌ای با نرخ ترجیحی می‌پردازد و استفاده‌کننده این تسهیلات شرکت‌هایی هستند که تحت کنترل و یا مالکیت

دولت قرار دارند، به مانند اعطای تسهیلات مستقیم به دولت است، در نتیجه، برای تقویت سیاست پولی باید بانک مرکزی از این مسئولیت معاف شود.

در خصوص کشورهایی که بانک مرکزی موظف است در چرخه خودکار تنزیل مجدد برای بانکها برای حمایت از بخش‌هایی از اقتصاد که از تسهیلات تکلیفی دولت استفاده می‌کنند، قرار دهد نیز باید توجه نمود که تأمین مالی این پروژه‌ها باید از طریق بودجه دولت صورت گیرد و بانک مرکزی نباید در این زمینه دخالت نماید.

وام‌های ارزی منبع اصلی تأمین مالی کشورهای در حال توسعه‌ای هستند که بازارهای مالی داخلی محدودی دارند. اگر تمام ریسک‌ها و هزینه‌های عملیاتی مرتبط با وام‌های ارزی برعهده دولت باشد، تا زمانی که وام‌های ارزی سررسید نشده باشد، این وام‌ها نباید در سقف مربوط به بدهی بخش دولتی احتساب شود. در زمان سررسید وام‌های یادشده در صورتی که بانک مرکزی وام را بازپرداخت نماید، مبلغ یادشده باید در سقف مربوط به بدهی بخش دولتی لحاظ شود. در صورتی که بهره پرداختی به وام ارزی از سوی بانک مرکزی از بهره دریافتی از تسهیلات اعطایی به دولت بیشتر باشد، مابه‌التفاوت نیز باید در سقف بدهی دولت لحاظ شود. در صورت کاهش نرخ ارز و ضعیف شدن پول ملی، در زمان سررسید بدهی ارزی و پرداخت توسط بانک مرکزی، مبلغ پرداختی باید در سقف بدهی دولت لحاظ شود. در صورتی که دولت بخواهد با وثیقه طلا و یا ارز از بانک مرکزی وام دریافت نماید، بانک مرکزی نباید به اعتبار آن که وثیقه طلا و یا ارز دارد، بیش از سقف تعیین شده به دولت وام اعطا نماید؛ زیرا اثرات تورمی ناشی از بدهی دولت به بانک مرکزی توسط وثیقه طلا و یا ارز قابل جبران نیست.

در خصوص اعمال سقف در رابطه با بدهی دولت با بانک مرکزی دو رویکرد وجود دارد؛ در رویکرد اول، دارایی‌های داخلی پایه پولی نمی‌تواند از درصد مشخصی از دارایی‌های خارجی پایه پولی تجاوز نماید. در رویکرد دوم، سقف بدهی دولت به بانک مرکزی به صورت درصدی از درآمدهای دولت در سال گذشته تعیین می‌شود.^۱

1. Cottarelli

۳. ارائه الگوی عملی رابطه دولت با بانک مرکزی - فرانسه

به عنوان یک الگوی موفق رابطه دولت با بانک مرکزی می توان به بانک مرکزی فرانسه اشاره کرد. بانک مرکزی فرانسه در ژانویه سال ۱۹۹۹ به صورت یک جزء از سیستم اروپایی بانک‌های مرکزی (ESCB)^۱ درآمد. یکی از اهداف مهم این بانک بنابر پیمان ماستریخت، ثبات قیمت‌هاست. بانک مرکزی فرانسه تصمیماتی را که توسط هیأت مدیره بانک مرکزی اروپایی اتخاذ می‌شود، اجرا می‌نماید. این بانک علاوه بر نظارت بر بازار پول و عملکرد درست و بی‌خطر سیستم پرداخت، مسئول فروش اوراق بهادار دولت نیز هست. در فرانسه، وزیر امور اقتصادی و دارایی و صنایع مسئول نظارت بر بازارهای مالی است. در پایان دسامبر هر سال، پارلمان به وزیر امور اقتصادی و دارایی مجوز دریافت وام‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت را برای تأمین مالی دولت می‌دهد. این مجوز بدون سقف بوده و شامل تعیین سررسید بدهی‌ها نیست. پارلمان نیز میزان کسری بودجه را مشخص می‌سازد. نکته مهم آن است که در فرانسه به خزانه‌داری قدرت کاملی در زمینه مدیریت بدهی دولت داده می‌شود.

مؤسسه خزانه‌داری فرانسه^۲ که زیرمجموعه وزارت دارایی فرانسه است، در ابتدا به صورت اداره خزانه‌داری و مدیریت بدهی فعالیت می‌کرد که بعدها به صورت یک مؤسسه مستقل تغییر شکل داد. هدف این مؤسسه مدیریت بدهی و حساب‌های دولت نزد بانک مرکزی فرانسه به صورتی است که برای مالیات‌دهندگان، کمترین هزینه را داشته باشد. وظایف این مؤسسه به شرح زیر است:

- پیش‌بینی نیاز نقدینگی دولت و مدیریت وام‌های سررسید شده (مربوط به واحد خزانه‌داری)،
- معاملات مربوط به مدیریت بدهی دولتی (واحد بازار باز)،
- تأیید رسمی معاملات، کنترل ریسک‌های مالی و عملیاتی (واحد کنترل ریسک و پشتیبانی)،
- مدیریت بهینه‌سازی (واحد تحقیقات عملیاتی)،
- آگاهی استراتژیک در خصوص اقتصاد و جریان‌های مالی جهانی (واحد اقتصاد کلان)،
- آگاهی رقابتی، ارایه اطلاعات و اسناد،

1. European System of Central Bank

2. Agence France Tresor

- اطلاع‌رسانی به جامعه مالی (واحد اطلاعات)،
 - ایجاد منابع انسانی و فنی لازم.
- یکی از وظایف مؤسسه خزانه‌داری فرانسه، مدیریت حساب خزانه نزد بانک مرکزی فرانسه است. جریان‌های حساب خزانه به شرح زیر است:
- ۱۷ درصد مربوط به درآمدهای مالیاتی، هزینه‌های عملیاتی و سرمایه‌ای است.
 - ۵۲ درصد مربوط به تأمین مالی مجدد دولت است که شامل انتشار و بازپرداخت اوراق بهادار دولتی و پرداخت بهره‌هاست.
 - ۳۱ درصد مربوط به سپرده‌گذاری مؤسسات دولتی نزد حساب‌های خزانه است.
 - حساب خزانه شامل ۹ هزار حساب مستقل است.
- اهداف مؤسسه خزانه‌داری فرانسه به شرح زیر است:
۱. دولت را قادر سازد که در هر شرایطی، احتیاجات مالی خود را مرتفع سازد.
 ۲. بر اساس ماده ۱۰۱ پیمان اتحادیه اروپا که هرگونه اضافه برداشتی از سوی دولت از بانک مرکزی فرانسه را ممنوع کرده است، عمل نماید.
 ۳. در پایان روز مانده‌ای که بیش از ۱۰۰ میلیون یورو نباشد، نزد بانک مرکزی فرانسه داشته باشد.
- ابزارهایی که برای تحقق این اهداف در اختیار مؤسسه خزانه‌داری فرانسه قرار دارد، به شرح زیر است:
۱. بانک اطلاعاتی که شامل کل معاملات بر اساس نوع آن، معاملات آتی که وقوع آن حتمی است و پیش‌بینی آماری فعالیت‌های دیگر است،
 ۲. اعلام معاملات نقدی توسط واحدهای ذیربط،
 ۳. سیستم اعلام خزانه‌داری^۱ این سیستم کامپیوتری به هر ذیحساب در هر نقطه فرانسه این امکان را می‌دهد که معاملات مربوط به درآمدها و هزینه‌های آینده خود را به مؤسسه خزانه‌داری فرانسه اعلام نماید.
- ابزارهای مدیریت فعال نیز به شرح زیر است:

۱. پیش‌بینی جریان‌های نقدینگی باعث می‌شود که جریان انتشار اوراق بهادار کوتاه‌مدت که در هر هفته صورت می‌گیرد، بهبود یابد.

۲. تعدیلات روزانه شامل

- سپرده‌گذاری و استقراض در بازار بین بانکی،

- توافقات باز خرید اوراق بهادار،

- وام و استقراض از خزانه‌داری کشورهای دیگر اروپایی.

هدف از ابزارهای یادشده کاهش اتکا بر استقراض و سرمایه‌گذاری با بهترین نرخ بهره است.

مدیریت بدهی دولت در فرانسه از یک الگوی مدرن پیروی می‌کند. بر اساس این الگو، هزینه

تأمین مالی بدهی دولت کنترل می‌شود، بازار بدهی دولت برای سرمایه‌گذاران توسعه می‌یابد، اوراق

بهادار با سررسیدهای مختلف ارائه می‌شود، از نقدینگی اوراق قرضه منتشر شده اطمینان حاصل

می‌شود و شفافیت کامل برای این بازار ارائه می‌شود.

همچنین، بین دلانان اولیه، بانک مرکزی فرانسه و دولت، موافقت‌نامه‌ای در خصوص اوراق

بهادار دولت وجود دارد و آیین‌نامه‌ای نیز ناظر بر فعالیت‌های دلانان اولیه است. بر اساس این آیین‌نامه،

وظایف دلانان اولیه اوراق بهادار دولت به شرح زیر است:

- در تمام مزایده‌ها شرکت نمایند،

- به نقدینگی اوراق قرضه دولت کمک نمایند،

- در جلسه‌هایی که با مؤسسه خزانه‌داری فرانسه برگزار می‌شود، شرکت نمایند،

- اطلاعات آماری را ارائه دهند.

معیارهای انتخاب دلانان اولیه نیز به شرح زیر است:

- سلامت مالی،

- معامله در بازار ثانویه و داشتن تیم کاری فعال در پاریس،

- تطابق با مقررات مربوطه.

به‌طور خلاصه مؤسسه خزانه‌داری فرانسه با دقت، وجوه در اختیار دولت را در چارچوب منافع مالیات‌دهندگان، مدیریت می‌نماید. مدیریت این مؤسسه به صورتی است که با توجه به حجم عظیم دریافت‌ها و پرداخت‌ها (حساب خزانه شامل ۹ هزار حساب مستقل است)، هیچگونه اضافه برداشتی از بانک مرکزی خزانه ندارد و مانده حساب‌ها در پایان روز نزد بانک مرکزی، بیش از یک مبلغ مشخص نیست.

از سوی دیگر، مدیریت بدهی دولت فرانسه نیز دارای سیستم بسیار کارایی است، به صورتی که نیازهای مالی دولت در موعد مشخص پاسخ داده می‌شود، همچنین، با استفاده از یک الگوی بسیار مکانیزه و با استفاده از آخرین ابزارهای مالی، نیازهای مالی دولت با کمترین نرخ بهره از بازارهای داخلی و بین‌المللی تأمین می‌شود.^۱

۴. ساختار بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی در ایران

برای شناسایی ساختار بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی ابتدا به ادبیات و پیشینه پژوهش‌ها اشاره می‌شود، سپس، چارچوب قانونی رابطه بخش دولتی با بانک مرکزی مورد بررسی قرار گرفته و در انتها اجزای بدهی بخش دولتی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۴-۱. ادبیات و پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی‌های به عمل آمده، پژوهش‌هایی که در ایران انجام شده است، در قالب اهداف و عناوین دیگری بوده که در آن چارچوب، بدهی دولت به بانک مرکزی را مورد بررسی قرار داده‌اند. چکیده این پژوهش‌ها به صورت زیر است:

الف) شاکری (۱۳۸۷) ضمن بررسی تمام عوامل مؤثر بر رشد نقدینگی، به بررسی روند بدهی دولت به بانک مرکزی و دلایل آن پرداخته است. در این پژوهش اشاره شده است؛ بدهی دولت به بانک مرکزی در پیش از انقلاب از سال ۱۳۴۶ شروع به رشد نمود و در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، این رشد تشدید

۱. میربهراری (۱۳۸۱).

یافت و در سال ۱۳۵۷ به ۹۱ درصد رسید. دلایل این رشد در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی عمدتاً ناشی از سوء مدیریت دستگاه‌های پولی بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با شروع جنگ تحمیلی، دولت برای تأمین کسری بودجه از منبع پولی کردن آن استفاده می‌کند. از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۸ به دلیل کاهش قیمت نفت، کسر بودجه دولت و در نتیجه بدهی دولت به بانک مرکزی افزایش می‌یابد. از سال ۱۳۷۲ با بازپرداخت بدهی‌های خارجی، بدهی‌های دولت به شدت رو به افزایش می‌گذارد. در سال ۱۳۸۲ پس از سیاست تک نرخی کردن، بدهی‌های دولت با رشد ۳ درصدی همراه است؛ اما از سال ۱۳۸۳ به بعد رشد بدهی دولت روند نزولی می‌گیرد. در سال ۱۳۸۵ بدهی دولت بار دیگر روند صعودی به خود می‌گیرد. مطابق نتیجه به‌دست آمده، اگر چه قرار بود از طریق اجرای برنامه‌های تعدیل از سال ۱۳۶۸ کسر بودجه دولت کاهش یابد، ولی این امر رخ نداد و این نشانه‌ای از عدم موفقیت برنامه‌های تعدیل اقتصادی در ایران است.

ب) اندستا (۱۳۸۶) در پژوهش خود با ارایه بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی در دوره ۱۳۵۰-۱۳۸۳ نسبت بدهی دولت به تولید ناخالص داخلی را محاسبه کرده است. وی اشاره می‌نماید که این شاخص با توجه به این که ارتباط بین استقراض و مهم‌ترین شاخص ظرفیت اقتصادی در سطح کلان را مورد توجه قرار می‌دهد، می‌تواند به نحوی ظرفیت تحمل بدهی را نشان دهد؛ به طوری که هر چه این نسبت کمتر باشد بر کاهش اهمیت نسبی استقراض در اقتصاد کلان دلالت دارد و دولت در بازپرداخت استقراض ملی با مشکلات کمتری روبه‌رو است. این نسبت همواره در دوره ۱۳۵۰-۱۳۸۳ در حال رشد بوده است، به طوری که حداقل این نسبت در سال ۱۳۵۰ برابر ۰/۱۳ درصد و حداکثر در سال ۱۳۸۳ برابر ۵۹/۳ درصد بوده و نشان‌دهنده رشد فزاینده این نسبت است.

ج) احمدی (۱۳۷۸) به بررسی رابطه تأمین کسری بودجه دولت با حجم نقدینگی پرداخته و عنوان می‌کند، رابطه مستقیم بین افزایش در خالص بدهی دولت به بانک مرکزی (تأمین کسری بودجه دولت توسط بانک مرکزی) و حجم نقدینگی به‌روشنی قابل مشاهده است؛ بدین صورت که در سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۶۷، ۱۳۷۰، ۱۳۷۲، ۱۳۷۴ و ۱۳۷۷ افزایش تأمین کسری بودجه توسط بانک مرکزی به ترتیب ۱۵۵/۹، ۶۴/۳، ۱۷۱/۲، ۱۷۱۵/۱، ۵۳/۳۷ و ۴۷/۷۵ درصد نسبت به سال پیشین خود افزایش داشته که در نتیجه آن حجم نقدینگی نیز به ترتیب ۱۹/۱، ۲۳/۸، ۲۴/۶، ۳۴/۲، ۳۷/۵ و ۲۷/۱ درصد افزایش نشان می‌دهد. همچنین، با

افزایش نقدینگی، تورم نیز افزایش نشان می‌دهد که تأیید کننده این مطلب است که تأمین کسری بودجه دولت توسط بانک مرکزی، موجب افزایش تورم می‌شود.

د) کمیجانی (۱۳۷۴) در پژوهشی به تحلیل و بررسی خالص مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی پرداخته است. براساس این پژوهش در پیش از انقلاب، خالص مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی سهم چندانی در رشد پایه پولی نداشته است و خالص دارایی‌های خارجی مهم‌ترین عامل بوده است. در واقع، با افزایش خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی که به سبب سرازیر شدن ارزهای حاصل از فروش نفت به کشور بوده است، از سهم خالص بدهی‌های بخش دولتی به بانک مرکزی در پایه پولی کاسته شده است. در سال ۱۳۵۶ دولت با اقدام به افزایش حقوق و دستمزد کارمندان خود سعی کرد تا به وسیله انگیزه‌های مادی از بحران‌های موجود در کشور بکاهد که این امر به افزایش خالص بدهی‌های بخش دولتی به بانک مرکزی منجر شد. مهم‌ترین عوامل رشد خالص بدهی‌های بخش دولتی به بانک مرکزی در سال‌های پس از انقلاب عبارتند از:

- ملی کردن بسیاری از صنایع خصوصی،
- اعلام غیر قانونی بودن وام‌گیری از خارج در قانون اساسی،
- شروع جنگ تحمیلی و پیدایش اثرهای آن،
- اعمال تحریم اقتصادی علیه کشور.

۴-۲. چارچوب قانونی رابطه بخش دولتی با بانک مرکزی

نخستین بانک مرکزی ایران، بانک شاهنشاهی ایران بود که در سال ۱۲۶۷ هجری شمسی (۱۸۸۹ میلادی) به موجب امتیازی که از سوی ناصرالدین شاه به بارون جولیس دورویتر (مؤسس خبرگزاری رویتر) اعطا شد، به وجود آمد. در فصل سوم امتیاز نامه یادشده، حق انحصاری نشر اسکناس به بارون دورویتر اعطا شد. به موجب فصل ششم امتیازنامه، بانک شاهنشاهی قبول کرد که در پرداخت‌های خزانه، چه در ایران و چه در خارجه، تسهیلاتی فراهم آورد و در قبال هر خدمتی از این نوع که رجوع شود، حقی با توافق مأمورین دولت دریافت دارد. بنابراین، پس از تشکیل بانک، وجوه متعلق به خزانه در حساب‌های مخصوص تمرکز یافته و انتقال وجوه دولتی به ولایات، که پیشتر توسط

صرافان ایرانی صورت می‌گرفت، به بانک محول شد. عواید ادارات و مال الاجاره گمرکات و درآمدهای مالیاتی نیز از همین طریق به مرکز فرستاده می‌شد.

تمرکز حساب‌های دولت و وجوه خزانه در بانک شاهنشاهی و دخالت مؤسسه یادشده در تمام نقل و انتقالات کشوری و لشکری، از جمله پرداخت حقوق مأمورین دولت و افراد ارتش، به تدریج اسباب استیلای بانک را بر امور مالی کشور فراهم ساخت. درباره رابطه بانک شاهنشاهی با دولت ایران باید عنوان نمود که استفاده دولت و خزانه مملکت از مؤسسه یادشده در صورتی میسر بود که متضمن سود قابل توجهی برای بانک باشد و در غیر این صورت، نظر به این که بانک شاهنشاهی یک مؤسسه خصوصی بود، هرگز گرهی از کار دولت ایران نمی‌گشود. بانک شاهنشاهی ایران با همین نام، تا بهمن ۱۳۲۷ از حقوق دیگر امتیاز نامه بهره‌مند بود و از آن تاریخ که مدت شصت ساله امتیاز منقضی شد، تا مرداد ماه ۱۳۳۱ بدون امتیاز و حقوق خاص به نام "بانک انگلیس در ایران و خاورمیانه" به فعالیت خود در ایران ادامه داد.

دومین بانکدار مرکزی ایران، بانک ملی ایران بود که به لحاظ اهمیت این بانک در اقتصاد کشور و پیدایش بانک مرکزی فعلی ایران از بدنه بانک ملی، ساختار این بانک با دقت بیشتری مورد بررسی قرار می‌گیرد. لایحه "قانون اجازه تأسیس بانک ملی ایران" در جلسه مورخ ۱۴ اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۶ به تصویب نهایی رسید. پس از آن که در ۱۶ آبان ماه سال ۱۳۰۶ قانون "اجازه استخدام متخصص بانکی از اتباع سویس یا آلمان" به تصویب مجلس شورای ملی رسید، دکتر "کورت لیندن بلات" که پیشتر ریاست بانک اعتبارات صوفیه را بر عهده داشت، به خدمت بانک دعوت و به ریاست آن گمارده شد. اساسنامه بانک ملی ایران در ۳۰ خرداد سال ۱۳۰۷ به تصویب هیئت وزیران و در ۱۴ تیرماه همان سال به تصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس شورای ملی رسید.

یکی از وظایف اساسی بانک ملی ایران انجام عملیات بانکی خزانه دولت و صندوق ادارات و بنگاه‌های دولتی و شهرداری‌ها و نگاهداری محاسبات آنها بود. پس از تشکیل این بانک، کارهای مربوط به خزانه و مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها، در این مؤسسه تمرکز یافت. بانک ملی ایران بابت عملیات مربوط به مؤسسات عمومی، کارمزدی که با نظر وزیر دارایی تعیین می‌شد (ماده ۳۸ اساسنامه

سال ۱۳۱۷) و مشمول تعرفه بانک نبود، دریافت می‌کرد. بانک ملی ایران به سپرده‌های ثابت دولت و مؤسسات عمومی و به مانده حساب‌های خزانه، بهره پرداخت می‌کرد.

به موجب قانون اجازه تأسیس بانک ملی ایران (ماده ۶)، بانک از قرض یا مساعده دادن به دولت یا وزارتخانه‌ها یا ادارات و دوائر دولتی و بلدی، بدون تصویب مجلس شورای ملی، منع شد. در تبصره ذیل این ماده، اجازه داده شده است که شهرداری‌های قانونی، تا ۳۰ درصد از عایدات سالانه خود از بانک وام بگیرند. دولت که پیش از تشکیل بانک ملی ایران، در مواقع بحران مالی ناچار به بانک‌های خارجی متوسل می‌شد و جز با شرایط سنگین اقتصادی و مضر به استقلال سیاسی کشور نمی‌توانست احتیاجات خود را مرتفع سازد، پس از به‌وجود آمدن بانک ملی ایران، به‌هنگام ضرورت با کسب مجوز قانونی از بانک ملی ایران وام دریافت می‌کرد.

نرخ بهره وام‌هایی که بانک ملی ایران در اختیار دولت و مؤسسات عمومی می‌گذاشت، معمولاً ۳ یا ۴ درصد بوده است، ولی در برخی از موارد به ۶ درصد و گاه به ۲ درصد نیز رسیده است. پس از مدتی که از فعالیت بانک ملی ایران گذشت، ضرورت تمرکز فعالیت‌هایی که وظیفه بانک مرکزی است، بیش از پیش احساس شد و بر همین اساس مقرر شد که بانک مرکزی رأساً به عنوان یک نهاد مستقل شروع به کار نماید و از بانک ملی جدا شود. لایحه قانونی تأسیس بانک مرکزی ایران که پس از چهارسال مطالعه در ۲۸ آذر ۱۳۳۸ به مجلس شورای ملی تقدیم شده بود در ۷ خرداد ۱۳۳۹ به تصویب کمیسیون‌های مشترک مجلسین رسید و به مرحله اجرا درآمد و آقای ابراهیم کاشانی به عنوان نخستین رئیس کل بانک مرکزی انتخاب شد.^۱

پس از ایجاد بانک مرکزی در سال ۱۳۳۹، رابطه بخش دولتی با بانک مرکزی به صورت مدون در قانون بانکی و پولی (مصوب ۱۳۳۹) لحاظ شد. چارچوب قانونی رابطه بخش دولتی با بانک مرکزی براساس قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۱ که پس از قانون بانکی و پولی سال ۱۳۳۹، به مورد اجرا گذاشته شد، به شرح زیر است:

۱. تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران.

بنابر ماده ۱۲ قانون پولی و بانکی کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بانکدار دولت موظف به انجام وظایف زیر است:

الف) نگاهداری حساب‌های وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و همچنین مؤسساتی که بیش از نصف سرمایه آنها متعلق به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و شرکت‌های دولتی و یا شهرداری‌ها هستند و انجام کلیه عملیات بانکی آنها در داخل و خارج از کشور؛

ب) فروش و بازپرداخت اصل و بهره انواع اوراق قرضه دولتی و اسناد خزانه، به عنوان عامل دولت و واگذاری این عاملیت به افراد و یا مؤسسات دیگر؛

ج) نگاهداری کلیه ذخایر ارزی و طلای کشور؛

د) نگاهداری وجوه ریالی صندوق بین‌المللی پول و بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه و شرکت مالی بین‌المللی و مؤسسه بین‌المللی توسعه و مؤسسات مشابه یا وابسته به این مؤسسات؛

ه) انعقاد موافقت‌نامه پرداخت در اجرای قراردادهای پولی و مالی و بازرگانی و ترانزیتی بین دولت و کشورهای دیگر.

تبصره ۱: وزارتخانه‌ها و شهرداری‌ها و شرکت‌های دولتی و مؤسسات یادشده در بند "الف" این ماده مکلفند وجوهی را که در اختیار دارند، منحصراً نزد بانک مرکزی نگاهداری نمایند و کلیه عملیات بانکی خود را منحصراً توسط بانک مرکزی انجام دهند و اطلاعاتی که بانک مرکزی در انجام وظایف خود از آنها بخواهد، در اختیار آن بگذارند.

تبصره ۲: وزارتخانه و شرکت‌ها و مؤسساتی که به موجب قوانین خاص، مجاز به انجام عملیات بانکی وسیله بانک‌های دیگر هستند، مشمول مفاد بند "الف" و قسمت اول تبصره یک این ماده نخواهند بود.

بنابر ماده ۱۳ قانون پولی و بانکی، بانک مرکزی دارای اختیارات زیر است:

۱. پرداخت وام و اعتبار به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی با مجوز قانونی،
۲. تضمین تعهدات دولت و وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی با مجوز قانونی،

۳. پرداخت وام و اعتبار و تضمین وام و اعتبارات اعطایی به شرکت‌های دولتی و

شهرداری‌ها و همچنین به مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها با تأمین کافی،

۴. تنزیل مجدد برات‌ها و اسناد بازرگانی کوتاه‌مدت بانک‌ها و دادن اعتبار به بانک‌ها با تأمین

کافی،

۵. خرید و فروش اسناد خزانه و اوراق قرضه دولتی و اوراق قرضه صادرشده از سوی

دولت‌های خارجی یا مؤسسات مالی بین‌المللی معتبر،

۶. خرید و فروش طلا و نقره،

۷. افتتاح و نگاهداری حساب جاری نزد بانک‌های خارج و یا نگاهداری حساب بانک‌های

داخل و خارج نزد خود و انجام کلیه عملیات مجاز بانکی دیگر و تحصیل اعتبارات در

داخل و خارج به حساب خود یا به حساب بانک‌های داخل.

تبصره ۱: پرداخت وام و اعتبار و تضمین وام و اعتبارات اعطایی به وزارتخانه‌ها و مؤسسات

دولتی، موکول به تضمین وزارت امور اقتصادی و دارایی است.

تبصره ۲: آیین‌نامه‌های مربوط به اجرای این ماده، به تصویب شورای پول و اعتبار خواهد رسید.^۱

۳-۴. اجزای بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی

برای بررسی بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی، بخش دولتی به دولت و شرکت‌ها و مؤسسات دولتی

تفکیک شده است که در زیر هر یک به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۳-۳-۱. بدهی دولت به بانک مرکزی

بدهی دولت به بانک مرکزی در قالب سفته‌های پشتوانه، اوراق بهادار و اسناد خزانه، کسری حساب

ذخیره تعهدات ارزی، اعتبارات اعطایی از محل ماده ۶۲ قانون محاسبات عمومی، سایر اعتبارات و

تنخواه‌گردان خزانه بررسی می‌شود.

۱. قانون پولی و بانکی.

الف) سفته‌های پشتوانه

بنا بر بند الف ماده ۵ قانون پولی و بانکی کشور، بانک مرکزی باید برابر صد درصد اسکناس‌های منتشر شده همواره دارایی‌هایی به شرح زیر به عنوان پشتوانه در اختیار داشته باشد:

۱. طلا، ۲. ارز، ۳. اسناد و اوراق بهادار.

بنابر ماده ۸ قانون یادشده، اسناد و اوراق بهادار دولتی موضوع این قانون عبارت است از: الف) اسناد و اوراق قرضه دولتی یا تضمین شده از سوی وزارت امور اقتصادی و دارایی مشروط بر این که اجازه انتشار یا تضمین آن قانوناً تحصیل شده باشد.

ب) مطالبات بانک مرکزی از وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به دولت و یا وابسته به شهرداری‌ها که به‌طور بازرگانی اداره می‌شوند، مشروط بر این که این مطالبات از سوی وزارت امور اقتصادی و دارایی تضمین شده باشد.

مطابق با مواد قانونی پیش‌گفته، بانک مرکزی سفته‌های دولت را به عنوان پشتوانه در ترازنامه خود نگاهداری می‌نماید.

ب) کسری حساب ذخیره تعهدات ارزی

پیش از یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۷۲، اشخاص حقیقی و حقوقی برای واردات کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی، با نرخ‌های جاری آن زمان اقدام به گشایش اعتبار می‌نمودند. در رابطه با اعتبارات اسنادی که پیش از یکسان‌سازی نرخ ارز گشایش یافته یا منابع ارزی آن از خطوط فاینانس و ری‌فاینانس تأمین شده بود و در نتیجه بازپرداخت ارزی آنها پس از زمان یکسان‌سازی نرخ ارز محقق می‌شد، مسأله مابه‌التفاوت نرخ ارز مطرح می‌شد. به این صورت که پس از یکسان‌سازی نرخ ارز و در هنگام بازپرداخت اعتبارات اسنادی می‌بایست معادل ریالی ارز با نرخ پس از یکسان‌سازی نزد بانک‌ها و بانک مرکزی تودیع می‌شد؛ در حالی که پیش از یکسان‌سازی نرخ ارز، مشتری فقط معادل ریالی ارزش اعتبارات اسنادی براساس نرخ ارز پیشین را پرداخته بود و یافتن منبع تأمین‌کننده مابه‌التفاوت نرخ ارز به صورت یک مشکل مطرح شد. در این رابطه راهکارهای مختلفی به شرح زیر پیشنهاد شده بود:

۱. دریافت مابه التفاوت ریالی نرخ گشایش اعتبار پیش و پس از یکسان سازی (۱۷۵۰ریال) از مشتریان،
 ۲. پرداخت مابه التفاوت مورد نظر توسط بانک مرکزی یا بانکها،
 ۳. تأمین مابه التفاوت توسط دولت.
- سرانجام، آیین‌نامه اجرایی بند "ج" تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۷۵مورد تصویب قرار گرفت. بر اساس مفاد این آیین‌نامه، بانک‌های عامل موظف شدند تا در موارد زیر، مابه‌التفاوت نرخ ارز (تفاوت مبالغ وصولی پیشین با نرخ شناور ارز) را از مشتریان خود دریافت و به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران پرداخت نمایند:
۱. اعتبارات اسنادی که برای واردات کالاهای سرمایه‌ای تولیدی در سال‌های پیشین برای بخش غیردولتی افتتاح کرده بودند.
 ۲. اعتبارات اسنادی کالاهای سرمایه‌ای تولیدی مربوط به شرکت‌های دولتی که محصولات تولیدی آنها فاقد قیمت تثبیتی بوده است.
 ۳. اعتبارات اسنادی کالاهای مصرفی و مواد اولیه مربوط به بخش غیردولتی و شرکت‌های دولتی که کالای مربوطه در سال ۱۳۷۴ و سال‌های پس از گمرکات کشور ترخیص شده بود.
 ۴. اعتبارات اسنادی دستگاه‌های اجرایی که به تأیید سازمان برنامه و بودجه، اعتبار ریالی لازم در جداول قانون بودجه سال ۱۳۷۵ کل کشور به نرخ شناور ارز برای آنها منظور شده و به تصویب رسیده بود.
- همچنین، کالاهای موضوع اعتبارات اسنادی به شرح زیر از پرداخت مابه‌التفاوت نرخ ارز معاف تشخیص داده شدند:
۱. اعتبارات اسنادی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی که هم ارز ریالی آنها به نرخ شناور در جداول قانون بودجه سال‌های پیشین و سال جاری منظور نشده بود.

۲. اعتبارات اسنادی مربوط به طرح‌های عمرانی شرکت‌های دولتی و مؤسسات دیگر عمومی مندرج در جداول قوانین بودجه سال‌های پیشین که هم ارز ریالی نداشتند.
۳. اعتبارات اسنادی مربوط به مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه با تشخیص کمیته‌ای متشکل از وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس سازمان برنامه و بودجه و رئیس کل بانک مرکزی که بر اجرای آیین‌نامه نظارت داشتند.
۴. اعتبارات اسنادی مربوط به کالاهای مصرفی و مواد اولیه که پیش از سال ۱۳۷۴، کالای مربوطه وارد و از گمرکات کشور ترخیص شده بودند.
- بر اساس آیین‌نامه یادشده، شبکه بانکی کشور باید طبق شرایطی که به تصویب شورای پول و اعتبار می‌رسید مهلت لازم تا مدت پنج سال را برای تأدیه مابه‌التفاوت نرخ ارز در اختیار شرکت‌های دولتی و بخش غیردولتی (موارد غیرمعاف) موضوع این مصوبه قرار می‌داد.
- تأمین مالی اعتبارات اسنادی که از پرداخت مابه‌التفاوت نرخ ارز معاف شده بودند، از محل حساب ذخیره تعهدات ارزی صورت گرفته است. بدین‌روی، بر اساس یکی از قسمت‌های بند "ج" تبصره ۲۹ سال ۱۳۷۵، بانک مرکزی مجاز شد تا معادل وجوه دریافتی بابت پیش دریافت اعتبارات اسنادی، مانده حساب ذخیره تعهدات ارزی را در دفاتر بانک بدهکار نماید. این مجوز در سال‌های بعد نیز در قانون بودجه لحاظ شد. در نتیجه، با توجه به کمبود وجوه واریزشده به این حساب در مقایسه با مابه‌التفاوت‌های ناشی از حجم بدهی‌های ارزی سررسید شده، حساب یادشده از همان ابتدا با کسری مواجه شد. مانده کسری حساب ذخیره تعهدات ارزی که تأمین‌کننده مابه‌التفاوت‌های معاف بوده و بانک مرکزی عهده‌دار تأمین آن بوده است، بدهی دولت به بانک مرکزی محسوب می‌شود.^۱

ج) اوراق بهادار و اسناد خزانه

دولت در سال‌های پیشین برای تأمین مالی مبادرت به انتشار اوراق قرضه کرده بود که بخشی از آن توسط بانک مرکزی و بخشی از آن توسط بانک‌ها خریداری شد. آنچه که با عنوان اوراق بهادار و اسناد

۱. کشیش بانوسی. (۱۳۷۸).

خزانه در ترازنامه بانک مرکزی نشان داده می‌شود، مربوط به اوراق قرضه خریداری‌شده توسط بانک مرکزی است. این اوراق سررسید شده است، ولی هنوز از سوی دولت بازپرداخت نشده است. گفتنی است که بانک مرکزی در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ اوراق قرضه نزد بانک‌ها را خریداری نموده است. از سوی دیگر، افزایش ۵۰۰۰ میلیارد ریال سال ۱۳۸۰ مربوط به ماده ۹۳ قانون برنامه سوم توسعه کشور است. بر اساس مفاد این ماده، به دولت اجازه داده شده است که حداکثر تا مبلغ ۵۰۰۰ میلیارد ریال به‌منظور تقویت پایه سرمایه بانک‌ها، اوراق مشارکت ویژه منتشر نماید. در این راستا و بر اساس آیین‌نامه اجرایی ماده پیش‌گفته که در تاریخ ۱۳۷۹/۶/۱۶ به تصویب هیأت وزیران رسیده است، دولت در تیرماه سال ۱۳۸۰ به میزان ۵۰۰۰ میلیارد ریال اوراق مشارکت ویژه منتشر کرد. بانک مرکزی نیز براساس بند ۳ آیین‌نامه اجرایی مصوب هیأت وزیران، این اوراق را از دولت خریداری و به عنوان بدهی دولت در ذیل اوراق بهادار و اسناد خزانه ثبت نمود. سپس، وجوه یادشده به خزانه واریز و مجموع آن به عنوان سهم دولت در افزایش سرمایه بانک‌ها به بانک‌ها پرداخت شد. این وجوه از سوی بانک‌ها در حساب ویژه نزد بانک مرکزی قرار گرفت و بانک‌ها بر اساس آیین‌نامه اجرایی می‌باید هر ساله از محل سود سالانه خود نسبت به بازپرداخت بخشی از مبلغ اوراق اقدام می‌نمودند.

د) اعتبارات اعطایی از محل ماده ۶۲ قانون محاسبات عمومی

بر اساس ماده ۶۲ قانون محاسبات عمومی، وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی در صورتی می‌توانند برای خدمات و کالاهای وارداتی مورد نیاز خود اقدام به افتتاح اعتبار اسنادی نمایند که تا معادل کل مبلغ اعتبار و حقوق و عوارض گمرکی و سود بازرگانی و هزینه‌های دیگر ذیربط، تأمین اعتبار کرده باشند. درمورد آن قسمت از کالاها و خدمات موضوع این ماده که به موجب قراردادهای منعقد شده بهای آن باید به‌تدریج و یا به طور یکجا در سال‌های بعد به فروشنده پرداخت شود، افتتاح اعتبار اسنادی توسط بانک مرکزی بدون پیش دریافت بهای کالاها و خدمات یادشده با تعهد سازمان برنامه و بودجه مشعر بر پیش‌بینی اعتبار لازم در بودجه سال‌های مربوطه مجاز خواهد بود.

ه) بدهی دولت به بانک مرکزی بابت یکسان سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱

پس از یکسان سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ و تجدید ارزیابی دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی، مشخص شد که دولت بابت یکسان سازی نرخ ارز به بانک مرکزی برابر ۱۲۱۸۱/۸ میلیارد ریال بدهکار است. علت اصلی ایجاد این بدهی، وجود حساب دارایی‌های متفرقه بانک مرکزی بوده است. شایان ذکر است تا پیش از یکسان سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱، بانک مرکزی بخشی از ارز را به نرخ بالاتر از نرخ رسمی (که برابر ۱۷۵۰ ریال برای هر دلار بود) در سطح نرخ واریزنامه‌های خریداری و معادل ریالی آن را به خزانه واریز می‌نمود که در واقع مابه‌التفاوت نرخ رسمی ارز تا نرخ واریزنامه‌های ارز، بدهی دولت محسوب می‌شد و باید پس از فروش ارز یادشده در بازار توسط بانک مرکزی این بدهی تسویه می‌شد. ولی به علت عدم کشش بازار، بانک مرکزی قادر به فروش همه ارزهای یادشده در بازار نشد. در نتیجه، اختلاف میان نرخ رسمی ارز خریداری شده و نرخ واریزنامه‌ای در حسابی با عنوان "حق الامتیاز خرید ارز" در سرفصل "دارایی‌های متفرقه" ثبت شد که در واقع بدهی دولت محسوب می‌شد. پس از یکسان سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱، مانده حساب "حق الامتیاز خرید ارز" (حدود ۴۸ هزار میلیارد ریال) پس از تعدیل بابت درآمد ناشی از تجدید ارزیابی ترازنامه بانک مرکزی در رابطه با یکسان سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ (حدود ۳۶ هزار میلیارد ریال) که صرف کاهش بدهی دولت بابت حساب "حق الامتیاز خرید ارز" شد، به عنوان یک قلم بدهی با عنوان بدهی دولت بابت یکسان سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ به میزان ۱۲۱۸۱/۸ میلیارد ریال در ترازنامه بانک مرکزی ثبت شد.

و) اعتبارات دیگر

بانک مرکزی طبق قانون پولی و بانکی دارای اختیار اعطای وام و اعتبار به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی با مجوز قانونی بوده و بر این اساس به دولت وام و اعتبار اعطا کرده است. یکی از این موارد، استقراض دولت از بانک مرکزی بود که به منظور پوشش کسری بودجه از سال ۱۳۵۸ شروع و تا سال ۱۳۷۷ به طور متوالی به موجب درخواست وزارت امور اقتصادی و دارایی و تعهد و تضمین سازمان برنامه و بودجه وقت استمرار یافته است. این تسهیلات که بدون سود و کارمزد بوده و تماماً سررسید گذشته شده که در نهایت، قراردادهای

مربوط به اعطای تسهیلات یادشده تمدید شده است. علاوه بر آن، در رابطه با تنخواه گردان قانون هدفمند کردن یارانه‌ها نیز تسهیلاتی به دولت پرداخت شده است.

ز) تنخواه گردان خزانہ

دولت بر اساس بودجه‌های مصوب سالانه متکفل مخارج جاری و سرمایه‌گذاری است و تأمین مالی این مخارج نیز باید از طریق درآمدهای دولت صورت گیرد. از آنجا که ممکن است در برخی از مواقع درآمدهای ماهانه دولت تکافوی مخارج دولت را در آن ماه ننماید، مجلس شورای اسلامی هر ساله به دولت مجوز می‌دهد تا سقف خاصی از حساب خود نزد بانک مرکزی اضافه برداشت نماید، ولی به هر صورت در پایان سال مانده این حساب باید صفر باشد. در واقع، دولت باید در پایان سال بدهی از این بابت به بانک مرکزی ایجاد نکند.

سقف تنخواه گردان خزانہ در سال‌های اخیر به شرح زیر بوده است:

(میلیارد ریال)

جدول ۲. سقف تنخواه گردان خزانہ

از ۱۳۸۱ تا کنون	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵
۳ درصد بودجه عمومی دولت	۴۰۰۰	۴۰۰۰	۴۰۰۰	۳۰۰۰	۳۰۰۰	۲۵۰۰

نکته مهم در این رابطه آن است که در طول سال، بانک مرکزی از این طریق به دولت تسهیلات کوتاه‌مدت اعطا می‌نماید و اگرچه در پایان سال مانده این تسهیلات صفر است، ولی در عمل در بقیه ماه‌های سال منابع بانک مرکزی تا سقف‌های یادشده می‌تواند به این تسهیلات اختصاص یابد. گفتنی است براساس ماده ۱ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، از سال ۱۳۸۱، میزان تنخواه گردان خزانہ حداکثر تا سه درصد (۳٪) بودجه عمومی دولت تعیین شده است.

۴-۳-۲. بدهی شرکت‌ها و مؤسسات دولتی به بانک مرکزی

بدهی شرکت‌ها و مؤسسات دولتی با عناوین مابه‌التفاوت نرخ ارز، اعتبارات اعطایی از محل ماده ۶۲ قانون محاسبات عمومی و سایر اعتبارات اعطایی بررسی می‌شود.

الف) بدهی شرکت‌ها و مؤسسات دولتی بابت مابه‌التفاوت نرخ ارز

همان‌طور که پیشتر نیز ذکر شد، قسمتی از اعتبارات اسنادی که از پرداخت مابه‌التفاوت معاف نشده‌اند (در رابطه با یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۷۲)، مربوط به شرکت‌ها و مؤسسات دولتی است. در این رابطه بانک مرکزی به برخی شرکت‌های دولتی تسهیلات با نرخ ترجیحی اعطا کرده است.

ب) اعتبارات اعطایی از محل ماده ۶۲ قانون محاسبات عمومی

همان‌طور که پیشتر نیز ذکر شد، بانک مرکزی بابت مجوز ماده ۶۲ قانون محاسبات عمومی تسهیلاتی به شرکت‌ها و مؤسسات دولتی اعطا کرده است.

ج) اعتبارات دیگر اعطایی

بانک مرکزی بر اساس ماده ۱۳ قانون پولی و بانکی کشور می‌تواند به شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و همچنین مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها، وام و اعتبار اعطا نماید. بر همین اساس، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی از بانک مرکزی اعتبار دریافت کرده‌اند. در همین رابطه، بانک مرکزی بابت تنخواه‌گردان قانون هدفمندکردن یارانه‌ها، تسهیلاتی به شرکت‌های دولتی پرداخت نموده است.

۵. بررسی اثر تسهیلات ارائه‌شده به بخش دولتی بر رشد نقدینگی

با توجه به رشد پایه پولی، نقدینگی و تورم در سال‌های پیشین، این نکته مشخص می‌شود که تورم که در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ در سطوح پایینی قرار داشت با رشد پایه پولی و در نتیجه نقدینگی، با افزایش مواجه شده و در سال ۱۳۹۲ به بالاترین سطح یعنی ۳۴/۷ درصد رسیده است.

بررسی سهم عوامل بر رشد پایه پولی نیز مشخص می‌کند که سهم خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی در رشد پایه پولی با افزایش مواجه شده و از ۳۳/۹ واحد درصد در سال ۱۳۸۷ به ۹۳/۲ واحد درصد در سال ۱۳۹۲ رسیده، سپس، کاهش یافته و به ۷/۹- واحد درصد در سال ۱۳۹۳ رسیده است. سهم خالص مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی در رشد پایه پولی نیز از ۱۷/۸- واحد درصد به ۱۵/۶ واحد درصد در سال ۱۳۹۱ افزایش یافته، سپس، با کاهش مواجه شده و به ۰/۵- واحد درصد در سال ۱۳۹۳ رسیده است.

بررسی مانده بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی نیز نشان‌دهنده آن است که رشد آن با افزایش مواجه‌شده و از ۱/۱- در سال ۱۳۸۷ به ۴۳/۶ درصد در سال ۱۳۹۱ رسیده، سپس، به ۱۱/۳ درصد در سال ۱۳۹۲ کاهش یافته است؛ ولی در سال ۱۳۹۳ بار دیگر با افزایش مواجه شده و به ۲۱/۶ درصد رسیده است. در این میان، رشد بدهی شرکت‌ها و مؤسسات دولتی به بانک مرکزی در سال ۱۳۹۰ به رکورد ۱۵۲/۰ درصد رسیده، به طوری که مانده بدهی شرکت‌ها و مؤسسات دولتی از مانده بدهی دولت فراتر رفته است.

نکته بسیار مهمی که باید به آن توجه کرد، آن است که به علت رشد سپرده‌های بخش دولتی نزد بانک مرکزی، سهم خالص بدهی بخش دولتی از رشد پایه پولی منفی است، ولی در صورت برداشت بخش دولتی از سپرده‌های خود نزد بانک مرکزی، سهم خالص بدهی بخش دولتی از رشد پایه پولی به شدت افزایش یافته و پایه پولی با رشد شدیدی روبه‌رو خواهد شد، به بیان دیگر، پتانسیل رشد پایه پولی در اثر رشدی که در بدهی بخش دولتی رخ داده است، وجود دارد.

جدول ۳. رشد پایه پولی، نقدینگی و تورم (درصد)

۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	
۱۰/۷	۲۱/۴	۲۷/۶	۱۱/۴	۱۳/۷	۱۱/۹	۴۷/۶	پایه پولی
۲۲/۳	۳۸/۸	۳۰/۰	۲۰/۱	۲۵/۲	۲۳/۹	۱۵/۹	نقدینگی
۱۵/۶	۳۴/۷	۳۰/۵	۲۱/۵	۱۲/۴	۱۰/۸	۲۵/۴	تورم

جدول ۴. سهم عوامل مؤثر در رشد پایه پولی (درصد)

۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	
-۷/۹	۹۳/۲	۲/۷	۱۹/۴	-۶/۶	۱۷/۲	۳۳/۹	خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی
-۰/۵	-۰/۷	۱۵/۶	-۸/۶	۵/۷	۱۱/۴	-۱۷/۸	خالص مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی
۲۱/۶	۱۱/۷	۹/۲	۱۲/۹	۲۶/۶	-۱۳/۱	۲۷/۹	مطالبات بانک مرکزی از بانک‌ها
-۲/۵	-۸۲/۸	۰/۱	-۱۲/۳	-۱۲/۰	-۳/۶	۳/۶	خالص سایر اقلام
۱۰/۷	۲۱/۴	۲۷/۶	۱۱/۴	۱۳/۷	۱۱/۹	۴۷/۶	پایه پولی

جدول ۵. بدهی بخش دولتی و سپرده‌های بخش دولتی نزد بانک مرکزی (میلیارد ریال-درصد)

۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	
۴۲۵۶۶۵/۰	۳۴۹۹۳۰/۱	۳۱۴۲۷۲/۱	۲۱۸۹۰۸/۷	۲۲۲۶۴۴/۲	۱۳۴۹۵۹/۰	۱۳۰۲۵۹/۳	بدهی بخش دولتی
۲۱/۶	۱۱/۳	۴۳/۶	-۱/۷	۶۵/۰	۳/۶	-۱/۱	رشد
۱۸۳۵۸۲/۵	۱۵۸۲۷۱/۳	۱۳۱۶۱۴/۷	۹۳۸۶۸/۰	۱۷۳۰۳۲/۲	۹۲۲۲۷/۵	۹۱۴۲۳/۴	بدهی دولت
۱۶/۰	۲۰/۳	۴۰/۲	-۴۵/۸	۸۷/۶	۰/۹	-۶/۶	رشد
۲۴۲۰۸۲/۵	۱۹۱۶۵۸/۸	۱۸۲۶۵۷/۴	۱۲۵۰۴۰/۷	۴۹۶۱۲/۰	۴۲۷۳۱/۵	۳۸۸۳۵/۹	بدهی شرکت‌ها و مؤسسات دولتی
۲۶/۳	۴/۹	۴۶/۱	۱۵۲/۰	۱۶/۱	۱۰/۰	۱۴/۵	رشد
۳۹۲۴۳۸/۷	۳۱۱۲۰۸/۹	۲۶۸۲۷۴/۶	۲۹۲۰۲۷/۵	۲۳۶۵۱۷/۷	۱۸۳۳۶۰/۹	۲۴۰۲۱۰/۳	سپرده‌های بخش دولتی

۶. بررسی قوانین و مقررات مربوط به کاهش بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی

بر اساس ماده ۶۹ قانون برنامه سوم توسعه کشور (۱۳۸۳-۱۳۷۹)، دولت مکلف شد تا لایحه بودجه‌های سالانه را به نحوی تنظیم نماید که کسری احتمالی از طریق استقراض از بانک مرکزی و سیستم بانکی کشور تأمین نشده باشد. اگرچه بدهی دولت بابت تأمین کسری بودجه در سال‌های برنامه با افزایش روبه‌رو نشده است، ولی بدهی دولت بابت یکسان سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ به میزان ۱۲۱۸۱/۸ میلیارد ریال افزایش یافت.

بر اساس بند "ب" ماده ۳ قانون برنامه چهارم توسعه کشور (۱۳۸۸-۱۳۸۴)، تأمین کسری بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی و سیستم بانکی ممنوع شد. در برنامه چهارم توسعه کشور، دولت به صورت مستقیم بابت تأمین کسری بودجه خود استقراضی از بانک مرکزی یا بانک‌ها نداشته است، ولی استقراض دولت از بانک مرکزی به منظور پوشش کسری بودجه از سال ۱۳۵۸ شروع و تا سال ۱۳۷۷ به طور متوالی به موجب درخواست وزارت امور اقتصادی و دارایی و تعهد و تضمین سازمان برنامه و بودجه وقت استمرار یافته است. با توجه به واریز نشدن اقساط مربوطه در سال‌های گذشته، مبلغ یادشده در واقع مانده بدهی دولت بابت اعتبارات اعطایی بانک مرکزی برای تأمین

کسری بودجه سنواتی کل کشور است. با توجه به صفر درصدی بودن سود متعلقه به اعتبارات اعطایی بابت کسری بودجه سنواتی دولت، این بدهی باز پرداخت نشده است.

بر اساس جزء یک بند "ج" از ماده ۱۰ قانون برنامه چهارم توسعه کشور مقرر شد "به منظور تأمین رشد اقتصادی و کنترل تورم و بهبود بهره‌وری منابع مالی سیستم بانکی، دولت مکلف است بدهی خود به بانک مرکزی و بانک‌ها را در سال‌های برنامه چهارم با منظور کردن مبالغ بازپرداخت در بودجه‌های سنواتی کاهش دهد." به همین منظور، بر اساس پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و بانک مرکزی مصوبه شماره ۲۸۵۴۲/ت/۳۲۸۰۶ ه مورخ ۱۳۸۴/۵/۱۰ موضوع آیین‌نامه اجرایی چگونگی بازپرداخت بدهی‌های دولت به بانک مرکزی و همچنین مصوبه شماره ۶۰۹۳۰/ت/۳۴۳۳۱ ه مورخ ۱۳۸۵/۷/۱۷ موضوع آیین‌نامه چگونگی بازپرداخت بدهی‌های دولت به بانک‌ها به تصویب هیأت وزیران رسید. بر اساس آمار عملکرد بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی در دوره برنامه چهارم توسعه کشور، بدهی دولت به بانک مرکزی با کاهش کمی روبه‌رو بود، ولی بدهی شرکت‌ها و مؤسسات دولتی به بانک مرکزی با افزایش مواجه شد که در نتیجه آن بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی با افزایش روبه‌رو بوده است.

در قانون برنامه پنجم توسعه کشور (۱۳۹۴-۱۳۹۰)، ماده‌ای در خصوص کاهش بدهی دولت به بانک مرکزی در نظر گرفته نشده است.

۷. نتیجه‌گیری

دولت‌ها در جوامع دموکراتیک برای انتخاب مجدد سعی می‌کنند از طریق افزایش موقت تولید محبوبیت به‌دست آورند؛ حتی اگر این افزایش از طریق رشد قیمت‌ها به‌دست آید. در نتیجه، استقلال بانک مرکزی می‌تواند این گرایش دولت را خنثی کند.

محدودیت اعتباری که دولت می‌تواند از بانک مرکزی دریافت کند، عنصر اصلی استقلال بانک مرکزی است. محدودیت اعطای اعتبار به بانک مرکزی دارای اهمیت اساسی در رابطه با مجموعه عناصری است که استقلال بانک مرکزی را تضمین می‌کند، زیرا در شرایط عادی، دریافت اعتبار توسط دولت از بانک مرکزی

نسبت به راه‌های دیگر تأمین مالی برای دولت مزیت دارد، زیرا تسهیلات بانک مرکزی با نرخ سود کمتری از نرخ بازار در اختیار دولت قرار می‌گیرد.

محدود کردن بدهی دولت به بانک مرکزی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی استقلال بانک مرکزی از دولت نقش بسیار مهمی در زمینه نایل شدن بانک مرکزی به هدف اصلی خود (ثبات قیمت‌ها) دارد.

با توجه به تجربیات جهانی و الگوی کشورهای پیشرفته، اگر خواهان دستیابی به هدف ثبات قیمت‌ها هستیم، لازم است دولت مکلف شود در یک دوره زمانی مشخص، تأمین مالی از بانک مرکزی را کاهش داده و به صفر برساند و برای مدیریت کسری بودجه خود و تأمین مالی آن با استفاده از ابزارهای مالی، بخش سازمان خاصی را در داخل وزارت امور اقتصادی و دارایی به وجود آورد. وظیفه این سازمان تأمین مالی کسری بودجه دولت از طریق ابزارهای مالی (مانند اوراق مشارکت) است.

به عنوان مثال در این رابطه می‌توان به مدیریت بدهی دولت در فرانسه که از یک الگوی مدرن پیروی می‌کند، اشاره نمود. بر اساس این الگو، هزینه تأمین مالی بدهی دولت کنترل می‌شود، بازار بدهی دولت برای سرمایه‌گذاران توسعه می‌یابد، اوراق بهادار با سررسیدهای مختلف ارائه می‌شود، از نقدینگی اوراق قرضه منتشرشده اطمینان حاصل می‌شود و شفافیت کامل برای این بازار ارائه می‌شود. بانک مرکزی فرانسه با استفاده از خدمات مؤسسه خزانه‌داری فرانسه، سعی نموده است تأمین مالی کسری بودجه دولت را به بهترین وجه انجام دهد. نکته جالب توجه در این رابطه آن است که به‌رغم کسری بودجه دولت و بدهی انباشته دولت، بانک مرکزی فرانسه به هیچ وجه اجازه اضافه برداشت به دولت نداده است. نکته مهمی که در عملکرد مؤسسه خزانه‌داری فرانسه وجود دارد، آن است که این مؤسسه با کارایی بالا، تمام درآمدها و مخارج روزانه دولت را به نحوی پیش‌بینی می‌نماید که ضمن تأمین کسری بودجه احتمالی دولت در هر مقطع زمانی، در پایان هر روز مانده مثبتی در حساب‌های خود نزد بانک مرکزی فرانسه حفظ می‌نماید.

منابع

- احمدی، محمد. (۱۳۷۸). تحلیلی از عملکرد بانک مرکزی در رابطه با بودجه دولت، شناخت مشکلات طی سال‌های ۷۷-۱۳۶۹ و آرایه راه‌حل‌ها. تهران: پایان‌نامه مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- اندستا، فرهاد. (۱۳۸۶). بررسی اثر بدهی و مخارج دولت بر نرخ بهره در ایران. تهران: پایان‌نامه مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران ۱۳۳۷-۱۳۰۷. (۱۳۳۸). تهران: بانک ملی ایران.
- شاکری، عباس. (۱۳۸۷). تغییرات رشد نقدینگی در اقتصاد ایران (روند و علل). تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران.
- قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹). (۱۳۷۹). تهران: سازمان برنامه و بودجه .
- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۴). (۱۳۸۳). تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور .
- قانون برنامه پنجم توسعه کشور (۱۳۹۴-۱۳۹۰). معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور.
- قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۸ تیر ۱۳۵۱. تهران: بانک مرکزی.
- قبادی، فرخ و رئیس‌دانا، فریبرز. (۱۳۶۸). پول و تورم. تهران: انتشارات پیشبرد.
- کشیش بانوسی، روبینا. (۱۳۷۸). نکاتی در مورد حساب ذخیره ارزی. مجموعه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۱۰. تهران: اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، بانک مرکزی.
- کمیجانی، اکبر و دیگران. (۱۳۷۳). سیاست‌های پولی مناسب در جهت تثبیت فعالیت‌های اقتصادی. تهران: معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی، سال‌های مختلف. تهران: اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، بانک مرکزی.
- میربهراری، سیدمهرزاد. (۱۳۸۹). ساختار بدهی دولت به بانک مرکزی و مکانیسم کنترل آن در اقتصاد ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته بانکداری، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران، بانک مرکزی.

- میربهراری، سید مهرزاد. (۱۳۸۱). گزارش شرکت در سمینار مدیریت بدهی بخش دولتی. پاریس، فرانسه. تهران: اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، بانک مرکزی.
- نماگرهای اقتصادی، سال‌های مختلف. تهران: اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، بانک مرکزی.

- Carlo, Cottarelli. (1993). Limiting Central Bank Credit to the Government – Theory and Practice. International Monetary Fund.

Archive of SID